

مطالعه تطبیقی اسناد صفویه و مغولان هند

دکتر صفری اسماعیلی

عضو هیئت علمی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

سند تاریخی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تحقیق محسوب می‌شود و به اشکال گوناگون موجود است و براساس موضوع به چند دسته از جمله سلطانیات، دیوانیات، اخوانیات و غیره تقسیم می‌شود. اسناد حاوی نکات بسیار مهمی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، مذهبی و نظامی، و به دو شکل اصلی و سواد موجود است. به‌طور معمول سواد در منشآت و دستورالعمل‌ها جمع‌آوری شده که علاوه بر نشان دادن ساختار واقعی اسناد، در تشخیص اصلی یا جعلی بودن سند نیز کمک می‌کند. از آنجایی که اسناد برای اهداف گوناگون صادر می‌شد بنابراین براساس موضوعات مختلف، دارای تنوع بسیاری است که البته هر کدام شاخصه‌های معینی دارند.

اسناد مغولان هند به دو دسته اصلی محاورات (اسناد خصوصی) و توقیعات (اسناد عمومی) تقسیم می‌شود که هر کدام براساس موضوع سند در دسته خاصی قرار می‌گیرد.

سیر تطور نظام دیوان‌سالاری این دو سلسله در اسناد آنها به‌خوبی مشهود است. در اینجا سعی شده است به بررسی اسناد هم‌نامی که نقش مهمی در گستره نظام دیوان‌سالاری داشته‌اند، پرداخته شود. اسنادی که برای اهدافی چون انتصابات، اعطایا، اجازه‌نامه‌ها، مجازات‌ها، معافیت‌ها،

قراردادها، عهدنامه‌ها و غیره صادر می‌شدند. بعضی از اسناد این دو دوره، دارای عناوین و عملکرد مشابه و یا عناوین مشابه و عملکرد متفاوت بوده است.

فرمان

در فارسی به هر حکم و امر و دستور، فرمان اطلاق می‌شود. فرامین صفوی جزو سلطانیات محسوب می‌گردید و به دستوراتی که برای اجرای الزامات و تعهدات به امرا و حاکمان ایالات صادر می‌شد، فرمان می‌گفتند. گذرنامه‌های سیاسی و نامه‌های اعتباری از دیگر اشکال فرامین بودند. هربرت بوسه فرامین را براساس محتوا به شش گروه تقسیم کرده است. حکم انتصاب، حکم اعطائی، گذرنامه، قراردادها، احکامی که نتیجه فعالیت حقوقی سلطان است و بالاخره فرمان برای اطلاع حکام؛^۱ نگارش فرامین در اوایل دوره صفوی از فرمان‌نویسی ترکمانان تبعیت می‌کرد؛ یعنی مهر در پائین سند در سمت چپ زده می‌شد و نام حاکم را با آب طلا تزئین می‌کردند (تمغا) که بعدها مهر در بالای فرمان در وسط قرار می‌گیرد و تمغا نیز حذف می‌شود.^۲

بعد از شاه طهماسب، فرامین با این دو عبارت «فرمان همایون نفاذ یافت» و «فرمان همایون شد» شروع می‌شد و از زمان شاه عباس اول جمله دیگری یعنی «حکم جهان مطاع شد» نیز به عبارات آغازین قبلی اضافه گردید.^۳ شکل ظاهری فرامین از جهت اندازه فرمان، تذهیب حاشیه و عبارات آغازین به گیرنده فرمان بستگی داشت، هر چقدر مقام و رتبه گیرنده فرمان بالاتر بود، فرمان در کاغذهای پهن‌تر و با تذهیب بیشتر و از عباراتی چون «فرمان همایون شرف نفاذ یافت» و «فرمان همایون شد» استفاده می‌گردید. برای فرامین با کاغذهای باریک‌تر از عبارات «حکم جهان مطاع شد» استفاده می‌کردند.^۴

فرامین عصر میانه هند نیز به دو دسته ثبتي و بیاضی تقسیم می‌شد. فرمان به‌عنوان یک دستور شاهی می‌توانست جهت انتصاب یک منصب عالی و یا اهدای یک «جاگیر» یا «سیور غال» صادر شود. به گفته ابوالفضل علامی در آئین اکبری فرمان ثبتي برای سه هدف صادر می‌شود. الف: برای انتصاب یک منصب و کیلی، سپه‌سالاری، قیمومیت شاهزادگان، امیرالامرائی، وزارت، بخشی و یا صدارت



ب: برای اهدای جاگیر بدون تعهد نظامی

ج: برای اهداء سیور غال^۵

فرامین دارای علائم تصدیق بودند، و مهر یکی از علائم تصدیق محسوب می‌شد؛ که معمولاً با هم متفاوت بودند. به‌طور مثال مهری که برای فرامین ثبتي استفاده می‌شد، معروف به مهر «اوزک» بود.^۶ دو خط اول فرمان کوتاه بود و با توجه به هدف و موضوع فرمان مراحل صدور و تهیه آن متفاوت بود. فرامین بیاضی بیشتر به فرامینی اطلاق می‌شد که ضروری و محرمانه بود و توسط خود شاه صادر می‌شد و برای اجتناب از تأخیر، از مراحل طولانی دیوانی نمی‌گذشت و فقط مهر شاه بر آن زده می‌شد.^۷ فرامین بیاضی به طریقی که مندرجات آن قابل دیدن نباشد تا می‌خورد و در دو گوشه آن به هم می‌چسبید و بر روی آن مهر زده می‌شد. این نوع فرامین را در یک پوشش طلائی می‌گذاشتند و توسط یک منصب‌دار و یا فردی نظامی ارسال می‌گردید.^۸

محمی‌الدین مؤمن عناوین دیگری را ذکر می‌کند که جزو فرامین محسوب می‌شد از جمله «فرامین سلطانی، سیاسی، مالی و ملکی، اعلامی، بیاضی، فتح‌نامه‌ها، قول‌نامه‌ها، رمز، اشاره، کلمه و منشیر».^۹ باید متذکر شد که اجزاء فرامین مغول کاملاً با فرامین صفوی مطابقت می‌کند و این اسناد دارای سرنامه، طغرا، مهر، القاب، دعا، ثنا، خطاب، تأکید و تهیدید هستند.

در «کلمات طیبات» آمده است که فرامین بیاضی و ثبتي دوره اورنگ زیب با فرامین سابق تفاوت‌هایی داشته است، براساس اینکه دریافت‌کننده فرمان مسلمان یا غیرمسلمان بود متن فرمان تفاوت داشت. برای دریافت‌کنندگان مسلمان، فرمان با آیات قرآنی شروع می‌شد و متن فرمان دارای پند و اندرزهای اخلاقی بود در حالی که برای غیرمسلمانان چنین نبود^{۱۰} در فرمان بیاضی در هر دو مورد برای طغرای از شنگرف و طلا استفاده و مهر گرد بر آن زده می‌شد. برای فرامین ثبتي مهر مربعی شکل به‌کار می‌رفت.^{۱۱}

ظاهراً در دوره صفویه نیز احکام بیاضی به‌دلیل محرمانه و ضروری بودنشان از مراحل طولانی اداری نمی‌گذشت. بنا به گفته میرزا رفیعا احکام بیاضی به‌وسیله دیوان بیگی با طغرای «حکم جهان مطاع شد» صادر می‌شد^{۱۲} و منشی‌الممالک طغرا آن را با جوهر طلائی و قرمز رسم می‌کرده است.^{۱۳}

تعلیقه

آندراج می‌نویسد: نوشته‌ی امرای عظام مثل وکیل، وزیر و غیره را تعلیقه گویند.^{۱۴} تعلیقه از اسناد دیوانی محسوب می‌شود. حاشیه‌نویسی توسط صدراعظم از علائم تصدیق تعلیقه به‌شمار می‌رفت. براساس موضوع‌های مختلف تعلیقه‌های متفاوت صادر می‌گشت. به‌طور مثال برای موضوع‌های قضائی تعلیقه و به‌عنوان احضارنامه‌ای که دیوان‌بیبگی به شخص می‌فرستاد، صادر می‌شد و احضارنامه‌هایی که در حوزه قضایی تا دوازده فرسنگ ارسال گردید را تعلیقه بیاضی می‌گفتند و خارج از حوزه را تعلیقه التزامی می‌نامیدند.^{۱۵} همچنین تعلیقه‌هایی با موضوعات مالی به‌نام تعلیقه تخفیف، در شرایط بحرانی جهت کاهش مالیات رعایا صادر می‌شد؛^{۱۶} تعلیقه موجب یا دستور برای پرداخت دستمزد بود که توسط وزیر اعظم صادر می‌شد؛^{۱۷} این سند از اهمیت خاصی برخوردار بود تا جایی که اگر دستورات به شکل شفاهی (بالمشافهه) داده می‌شد باز هم تعلیقه وزیر اعظم ضروری بود^{۱۸} ظاهراً تعلیقه خدمت و ملازمات، بدون تعلیقه وزیر اعظم صادر می‌شده است. تعلیقه‌ها به مهر «مهر آثار» مهور و در دفاتر خلود ثبت می‌گردید.^{۱۹} بدون تصدیق وزیر هیچ نامه‌ای به امضای شاه نمی‌رسید و معمولاً بر روی تعلیقه‌جات عبارت «حسب الامر اعلی» دیده می‌شود.

در دربار مغول واقعه‌نویسان که بنا به گفته ابوالفضل علامی چهارده نفر بودند، مسئولیت یادداشت دستورات و گفتارهای شاه را داشتند. این گزارش‌ها روزنامه‌چهارمیده می‌شد که روزانه به‌وسیله یکی از افراد دربار کنترل، و سپس برای تأیید مطالب به شاه ارائه می‌شد. این گزارش‌ها سپس به‌وسیله پروانچی و میرعرض نیز امضا می‌گردید. در این مرحله گزارش‌ها، یادداشت خوانده می‌شد. از این یادداشت‌ها یک خلاصه دقیق و روشن نوشته و سپس به بخش‌های مربوطه ارسال می‌شد. در این مرحله آن را تعلیقه می‌گفتند و شخصی که آن را آماده می‌کرد تعلیقه‌نویس خوانده می‌شد.^{۲۰} در صورتی که تعلیقه برای امور اهدای زمین و املاک بود به دیوان جاگیر ارجاع و اگر مربوط به امور نظامی بود به بخشی فرستاده می‌شد. مثلاً اگر دستور برای پرداخت دستمزد افسران بود یک گواهی صادر می‌شد به‌نام سرخط که میزان حقوق را مشخص می‌کرد و بعد از تصدیق بخشی ثبت دفاتر این دیوان می‌شد و میرعرض با نوشتن کلمات خاص مانند «تعلیقه

قلمی نمایند»، موافقت خود را اعلام می‌نمود. بعد، از آن رونوشتی تهیه و برای گرفتن تأیید به دیوان ارسال می‌گردید. این رونوشت با جمله «ثبت نمایند» ثبت و به مهر بخشی ممهور می‌شد. سپس صاحب توجیه یک سند دقیق و جداگانه صادر می‌کرد و به مستوفی می‌داد و ناظر، بخشی و حسابدار، سند را با مهر و امضا تأیید می‌کردند. این سند برای تأیید نهائی به وکیل ارائه می‌گشت و در صورت مهر و امضای وکیل سند آماده اجرا بود.^{۲۱}

رقم

رقم از جمله اسنادی است که در دوره صفویه برای اهداف گوناگون صادر و هر کدام با مهر ویژه‌ای ممهور می‌شده است. به‌طور مثال بر روی «رقم خلعت» از مهر مربع شکلی که نام ائمه اطهار (ع) در حاشیه آن حک شده بود استفاده می‌شد، اما برای «رقم تیول» پس از ثبت در دفاتر خلود و تهیه رونوشت، مستوفیان مهر مسوده دیوان اعلی را بر آن می‌زدند؛ البته کلیه ارقام زمانی قابل اجرا بود که با مهر و امضای مسئول اصلی دیوان مربوط همراه بود. رقم در صورت لزوم به مهر شاهی نیز ممهور می‌شد مثلاً «رقم تنخواه» نظامیان که توسط لشکرنویس آماده می‌شد با «مهر مسوده» که دایره‌ای شکل و نام شاه بر آن حک شده بود، ممهور می‌شد و سپس مهر «انگشتر آفتاب» اثر نیز بر آن زده می‌شد. این مهر در زمان شاه طهماسب مربع شکل بود و در زمان شاه سلیمان به شکل محرابی درآمد.^{۲۲}

بعضی از ارقام به شکل شفاهی (رقم بالمشافهه) براساس تعلیق وزیر دیوان اعلی همراه با عبارت «حسب الامراعلی» صادر می‌شد. دو نوع رقم دفتری و بیاضی صادر می‌شد که رقم دفتری دارای پیش‌نویس بود، اما بیاضی مستقیماً براساس دستور شفاهی شاهی صادر می‌شد.^{۲۳}

میرزا رفیعا در «دستورالملوک» می‌نویسد: دستور انتصاب امراء بیگلربیگیان، سلاطین محروسه، وزراء و مستوفیان دیوان اعلی به وسیله رقم‌نویس نوشته شده و سپس در دفاتر ثبت و بعد مجلس‌نویس و واقعه‌نویس طغرایش را با مرکب سیاه روی آن می‌گذارد.^{۲۴}

نوعی رقم که در دوره مغولان هند بسیار متداول بود «چکنامه» نام داشت که یک سند اهدائی بود که جز توقیعات محسوب می‌شد. افرادی که زمینی به آنها اهدا می‌شد نامه‌ای از

شاهزاده، قاضی یا نواب محلی دریافت می‌کردند که حاوی اطلاعات مربوط به زمین و امضا شاهدان بود^{۲۵} معمولاً در اسنادی که به‌عنوان مدد معاش صادر می‌شد نام شخص، محل و ایالت ذکر می‌شد. این نامه خطاب به مأموران عالی‌رتبه محلی مثل چوهدری‌ها، قانون‌گویان، منصف و کارکن‌ها نوشته می‌شد^{۲۶} چکنامه معمولاً دارای مهر شاه نبود اما لقب وی را همراه با سرنامه می‌نوشتند.

نشان

یکی دیگر از اسناد دیوانی «نشان» است. نشان معمولاً نامه‌ای رسمی بود که به شاه دیگری نوشته می‌شد. در زمان صفویه، منشی‌الممالک مسئول آماده کردن مسوده نشان‌ها بود و بنا بر اعتبار گیرنده، نشان را تهذیب و طلا افشان می‌کردند.^{۲۷}

در زمان شاه جدید بعضی از نشان‌ها تجدید صدور می‌شد، یعنی برای تأیید دوباره ارسال می‌شد و جملاتی چون «جد بزرگوارم تاب اثر» «شاه بابام انار الله برهانه»، «خاقان جنت مکانی علین آشیان»^{۲۸} برای احترام به منزلت شاه سابق بر آن نوشته می‌شد.

طغرای شطرنجی با دوازده خانه برای نشان استفاده می‌شد و بالای مهر به شکل طغرای بود و در هر خانه نام یکی از ائمه اطهار (ع) می‌آمد و نام شاه با عبارت سیوزمیز (کلام ما) نوشته می‌شد.

قائم مقامی درباره نشان می‌نویسد: نشان‌ها برای تأیید مضمون ارقام و احکام و نشان‌های سابق نوشته می‌شده‌اند و از نظر کیفیت فرقی با پروانجات این بوده است که پروانجات برای تأیید ارقام بوده‌اند که جنبه مالی داشته‌اند و نشانها ارقام و احکامی را تأیید می‌کردند که برای سیورغال، تیولات، مناصب و مشاغل کوچک صادر شده بودند.^{۲۹}

نشان با دو مهر شرف نفاذ و مهر همایون تصدیق می‌شد. روی حاشیه متن بعد از پایان متن، شاه با دستخط خود کلمه ختم را می‌نوشت و با مهر ختم ممهور می‌کرد. «سرنامه» معمولاً «هو الله سبحانه ملکه الرحمان الرحیم یا محمد یا علی» بود که در ردیف‌های مختلف نوشته می‌شد.^{۳۰} نشانهای مغولان هند در تأیید و تصدیق فرامین شاهی توسط شاهزادگان صادر می‌شد و



خطاب به وزراء و امراء و یا اعضا خاندان شاهی و یا حتی پادشاهان خارجی نوشته بود، نشانهای مغولان نیز دارای ویژگی‌هایی چون سرنامه بود که از عباراتی چون «هو الغنی»، «الله اکبر» و «بسم‌الله» استفاده می‌شد و با طغرای «به فرمان ...» آغاز می‌شد، و زیر طغرای شاهی طغرای شاهزاده با عبارت «نشان عالی‌شان سلطان» که اشاره به فرمان شاهی داشت، نوشته می‌شد. نشانها دارای دو مهر بود. خط اول کوتاه‌تر نوشته می‌شد و برای تأکید، عبارت «به موجب این نشان عالی حکام حال و استقبال عملها نمایند» نوشته می‌شد.^{۳۱}

نشان، برای اعطای زمین یا مدد معاش و یا تجدید فرمان سابق و یا اعطا منصب^{۳۲} صادر می‌شد و در ضمن آن افسران مربوط و شواهد عبارات و مهرهای خود را با قید تاریخ می‌نوشتند و از عباراتی چون «به موجب فرمان عالیشان و نشان پادشاهزاده حسب الحکم اشراف اعلی» یا «حسب الحکم اقدس خطاب به متصدیان» صادر می‌شد.^{۳۳}

پروانچه

پروانچه جزو اسناد دیوانی محسوب می‌شود. برای انتصابات، اعطایا و اجازه‌نامه‌ها صادر می‌شد. پروانچه‌های مالی را مستوفیان می‌نوشتند و پس از ثبت در دفاتر و طغرای منشی‌الممالک^{۳۴} برای تصدیق نزد مهردار می‌رفت. در صورتی که پروانجات مربوط به مناصب بود صاحب توجیه دیوان اعلی آن را امضا و مهر می‌کرد.^{۳۵} در مورد پروانجات همه ساله، تیول بعد از موافقت وزیر دیوان اعلی و مستوفی‌الممالک نزد «اوراجه‌نویسان» جهت رونوشت می‌رفت و بعد از مسوده با عبارت «ملاحظه شد» یا «ثبت نمایند» امضا می‌شد.^{۳۶} دیوان بیگی نوع دیگری از پروانجات را که به «پروانه التزامی» معروف بود، صادر می‌کرد. این پروانه به‌دست منشی دیوان که زیر نظر منشی‌الممالک کار می‌کرد آماده شده^{۳۷} و بعد از طغرای منشی‌الممالک، برای مهور شدن به مهر شاه به دربار می‌رفت. انواع پروانجات چه مالی اعطایی، انتصابی، التزامی و غیره همگی قبل از رفتن به نزد شاه بوسیله مسئول مربوط به آن پروانه مهر و امضا می‌شد.^{۳۸} برای پروانه‌های مختلف از طغرای گوناگون استفاده می‌شد، به‌طور مثال بر روی پروانجات مربوط به داد و ستدها و براتها طغرای «فرمان همایون شد» ترسیم می‌شد با سرنامه «الملک‌الله» و بر روی پروانجات

تیولات امرا و مناصب اعلی طغرا «شرف نفاذ یافت» ترسیم می‌شد.^{۳۹} مطالعه نمونه‌های زیادی از پروانجات صفوی نشانگر این موضوع است که اغلب پروانچه به مهر «مهر آثار» ممهور می‌شدند و عباراتی مانند «... چون پروانچه به مهر مهر آثار اشرف رسید اعتماد نمایند» یا «... چون پروانچه به توقیع رفیع منیع اشرف مزین و محلی گردد اعتماد نمایند عهده شناسند».^{۴۰} لازم به ذکر است که مهر اعتمادالدوله، مستوفی‌الممالک، ناظر دیوان اعلی، داروغه و غیره همراه با مهر و امضای افسران دیوانها همراه با عباراتی مانند «ثبت شد»، «مرقوم شد»، «ملاحظه شد»، «به نظر رسید»، «به قلم افتاد» و غیره در ضمن اسناد می‌آمد.^{۴۱}

پروانچه یا فرمانچه از اسناد دیوانی مغولان هند نیز محسوب می‌شد و اسنادی که بدون مهرشاهی صادر می‌شد در واقع در تأیید احکام سابق شاهی بود. پروانچه‌های مغولان هند نیز به‌طور عمده برای جهت امور مالی، اعطایا، اجازه‌نامه‌ها، معافیت‌ها و غیره صادر می‌شد و ویژگی مشترک آنها این بود که براساس دستور شاه سابق بود. اسنادی چون انعام، مدد معاش، قبض، دستک و غیره جزو این دسته از اسناد قرار داشتند^{۴۲} و از عباراتی چون «به موجب فرمان عالی شأن»، «به موجب فرمان اعلیحضرت» و غیره بعد از شاه لقب متوفی استفاده می‌شد. القاب شاهان مغول بدین شرح بود: بابر (فردوس مکانی)، همایون (جنت آشیانی)، جهانگیر (جنت مکانی)، شاه جهان (فردوس آشیانی) و اورنگ زیب (خلد مکانی).^{۴۳} در این پروانچه‌ها از سرنامه‌هایی چون «الله اکبر، بسم الله الرحمن الرحیم، هوالقادر، هوالفیض، یزدان اکبر، هوالکافی، صد، الف» و غیره نوشته می‌شد.

مهری که جهت تأیید نهائی در پروانچه‌ها الصاق می‌شد مربوط به وزیر یا صدر بود که در بالا یا در حاشیه سند زده می‌شد و در کنار آن کلماتی مانند «بیض» یا «مطابق اصل» نوشته می‌شد. «ضمن» پروانه‌ها معمولاً شامل یک خلاصه از متن سند حاوی مشخصات گیرنده سند و نوع پروانه بود و برای تصدیق عباراتی مانند «نقل در دفتر صدر رسید»، «موافق دفتر است»، «دخیل حضور شد»، «به دفتر دیوان رسید» و «ملاحظه شد»، قید می‌شد.

یکی از اشکال پروانجات «دستک» (اجازه‌نامه) بود که برای اهداف مختلف مانند تجارت خارجی، ساختمان‌سازی، گذرنامه، راهداری و غیره صادر می‌شد.^{۴۴} محی‌الدین مؤمن نیز به این



موضوع اشاره دارد که بیشتر اسنادی که در حکم، اعطایای سیورغال و انعام جاگیر با دو واژه «حسب‌الحکم» و «حسب‌الامر» از طرف مقامات صادر می‌شد نیاز به تأیید با مهرشاهی نداشت.^{۴۵}

برات

در دوره صفویه برات به‌عنوان یک سند مالی و ملکی تلقی می‌شد و براساس آن دستمزد عمال دولتی به‌وسیله آن پرداخت می‌شد و به آن «موجب براتی»^{۴۶} می‌گفتند، و به دو شکل «تنخواه براتی» و «اجناس براتی» به‌کار می‌رفته است که در مورد اجناس براتی مقداری از دستمزد در قالب اجناس پرداخت می‌شده است. مینورسکی درباره دو برات «یکساله» و «همه ساله» می‌نویسد:

«برات همه ساله یعنی براتی که هر سال به همان منبع مشخص واحد از عایدات حواله گردد و ارزش آن بسیار بود. «برات یکساله» یعنی براتی که برای یک سال بود و سالیانه تجدید می‌گشت»^{۴۷} ناظران ایالات همه ساله شرح درآمد ایالات را همراه با لیست درآمد هر روستا و ناحیه‌ای را که به‌وسیله رؤسا مهر و امضا شده بود به دیوان محاسبات تحویل می‌دادند و نزد ناظر نگهداری و در قبالش یک رسید صادر و با ارائه رسید دستمزد پرداخت می‌شد.^{۴۸}

در دوران مغولان هند جهت تهیه برات که برای پرداخت دستمزد کارکنان شاهی صادر می‌شد همان مراحل تهیه فرمان، با تفاوت‌هایی در نوشته‌های تصدیق و ثبت برات، انجام می‌گرفت. بعد از آنکه کاغذ به ناظر می‌رسید در ضمن برات ناظر می‌نوشت «نقل گرفته شد» و بعد به دیوان بیوتات جهت مهر و امضا میرسامان ارائه می‌شد و وی با نوشتن عبارت «قلمی نمایند»^{۴۹} برای تهیه رسید دریافت دستمزد برای مسئول مربوط ارسال می‌کرد. مأمورین معمولاً دو بار در سال برات دریافت می‌کردند و بر روی برات‌ها میزان قابل پرداخت و روش پرداخت به دقت قید می‌شد به‌طور مثال دستمزد ۱/۴ به طلا (اشرفی)، ۱/۲ به نقره (روپیه) و بخشی به مس، بنا به ارزش سکه‌های معین، پرداخت می‌شد.^{۵۰}

مثال

از دیگر اسناد دیوانی «مثال» بود که کاربرد بسیار داشت. در دیوان صدارت معمولاً برای انتصاب مناصب آستانه‌ها و امور موقوفات، مثال و خطبه صادر می‌شد. قائم مقامی می‌نویسد: دستورات کتبی و حکم دیوان صدارت و دفتر موقوفات را که دربارهٔ امور حقوقی، قضائی و یا موقوفات صادر می‌شد مثال می‌گفتند.^{۵۱} در این دوره موقوفات ساماندهی خاصی داشتند و سازمان مربوطه که به دیوان صدارت معروف بود به دو بخش خاصه و ممالیک تقسیم می‌شد و افرادی چون مستوفی، متصدی، متولی، مثال‌نویس در این دیوان کار می‌کردند. مثال در دفاتر موقوفات ثبت می‌گردید و سپس به امضای مستوفی می‌رسید و به‌عنوان «امثلة دفتری» به‌وسیلهٔ مثال‌نویس مسوده می‌شد.^{۵۲} در بعضی از اسناد ماتناداران مثال‌ها دارای دو سرنامه «الله اکبر» و «هو ملک الله» بوده‌اند^{۵۳} و از طغرا «فرمان همایون شد»^{۵۴} و با عباراتی مانند «آنکه به موجب مثال لازم الامثال دیوان صدارت العلیه عالیه در ضمن صادر گشتی اعمال نمایند»^{۵۵} استفاده می‌شد.

چنان‌که از فحوای این جمله پیداست مثال صدارت در «ضمن» سند نوشته می‌شد؛ یعنی در یک طرف فرمان همایونی و در طرف دیگر دستور صدور نوشته و جهت اجرا به بیگلربیگیان و حکام هر محل ارسال می‌شد.^{۵۶} معمولاً در بالای مثال طغرای صدر که نام کامل وی بود ترسیم می‌شد و مهر صدر در پایین مثال قرار می‌گرفت. ضمناً از ویژگی‌های دیگر مثال‌ها تنها مربوط به دیوان صدور نبود بلکه داروغه و قاضی عسگر نیز مثال صادر می‌کردند.^{۵۷} در ضمن سند عبارت «ثبت دفاتر موقوفات شد» در کنار «ثبت مهر همایون شد» نیز بر روی مثال‌ها قید می‌شد.^{۵۸}

در دورهٔ مغولان هند مثال جزو اسناد احکام دیوانی بود که امور مربوطه به موقوفات و اعطایای زمین مثل مدد معاش، سیورغال، انعام به صدر واگذار شده بود و با سرنامه «الله اکبر» نوشته می‌شد. در مورد زمین‌هایی که برای اولین بار هدیه می‌شد یک مثال یا سند لازم بود که از دیوان صدارت از طرف صدر برای حاکمان محلی (نواب)، که براساس درخواست شخص متقاضی، تحت عنوان «التماس» یا «عرض» صادر می‌شد.^{۵۹} همچنین در تأیید و تجدید اسناد اعطایی که به‌وسیلهٔ صدر سابق، تجویز صدر جزو براساس حکم نامه‌های عمال عالی‌رتبه، مثل حسب الحکم‌ها (دستورات وزراء)، تصدیق صدر الزامی بود.

نتیجه

مطالعه تعدادی از اسناد صفویه و مغولان هند ویژگی‌های خاص آنها را آشکار نمود و ما را به تشخیص اسناد اصلی از جعلی نیز قادر نمود. فرمان به‌عنوان یک سند شفاهی در زمان صفویه برای اجرای دستورات سیاسی صادر می‌شد در حالی که فرمان مغولان برای اهداف مختلف مانند انتصابات، اعطای جاگیر و سیورغال بود. تنها فرمان بیاضی بود که در هر دو سلسله به‌عنوان فرمانی محرمانه تلقی، و جهت امور ضروری صادر می‌شد. اسناد مالی را تعلیقه می‌خواندند که مراحل صدور آن در هر دو سلسله شبیه به هم بود. «نشان» از جمله اسنادی بود که در عصر صفویه از طرف شاه به شاه دیگری نوشته می‌شد. اما در دوره مغولان نامه‌ای که از طرف شاهزاده یا بیگمی صادر می‌شد با ویژگی‌های ظاهری خاص نشان خوانده می‌شد. اهداف صدور پروانه‌ها در هر دو سلسله نیز تقریباً شبیه به هم بود فقط از جهت تصدیق، پروانچه‌های مغولی کمتر مهر شاهی را دربرداشت و فقط با مهر وزراء صدر و عمال عالی‌رتبه صادر می‌شد. سند دیگر برات بود، که به‌وسیله «دفترخانه ناظر همایون اعلی» حکومت صفوی و «ناظر دیوان بیوتات» حکومت مغولان صادر می‌شد. برات یک سند مالی بود که به صورت‌های مختلف از جهت پرداخت و زمان اعتبار صادر می‌شد. در هر دو سلسله شاه به‌عنوان حاکم مطلق بود و بر کلیه امور نظارت می‌کرد. در کنار او وزیر اعظم یا وکیل عنوان مقام دوم کشور قرار داشت، رؤسای دیوان‌های مختلف، امور کشور را بین خود تقسیم کرده و ایفای نقش می‌کردند.

دیوان انشاء به‌عنوان مرکز رسائل با حضور افرادی، چون منشی‌الممالک، مهردادان، دواتداران، دفترداران و محرران نظام حساس مکاتبات و رسائل را می‌گرداند. دیوان استیفاء در ارتباط با معاملات و امور مالی کل کشور بود که مستوفی‌الممالک در رأس آن قرار داشت. دیوان قضاء به‌عنوان عالی‌ترین مرجع قانونی و قضائی مطرح بود که در رأس آن صدرالصدور قرار می‌گرفت و بقیه امور نیز در بین امراء دولت خانه یعنی قورچی‌باشی، قوللر آغاسی، ایشیک آغاسی و تفنگچی‌باشی تقسیم می‌شد. اما در کنار پادشاه مغول وکیل به‌عنوان وزیر اول در رأس دیوان اعلی قرار داشت و مسئولیت خزانه شاهی نیز با وی بود. میرسامان مسئولیت امور داخلی و خصوصی را بر عهده داشت و میربخشی امور نظامی و اطلاعاتی را می‌گرداند. امور قضایی و

مذهبی را نیز صدر بر عهده داشت؛ در واقع امپراتوری مغولان هند یک نظام اجرائی بسیار مهم و مؤثر را در هند به وجود آورد و موجب ایجاد صلح و آرامش در سراسر کشور هندوستان شد. لازم به ذکر است که اگرچه ریشه نظام دیوان‌سالاری در هر دو سلسله یکی بود، یعنی هر دو دنباله‌رو نظام تیموریان بودند و از جهت عملکرد مراحل تهیه اسناد، علائم تصدیق، اصطلاحات فن نگارش و غیره دارای شباهت‌های بسیار بودند، اما به‌طور کلی نظام صفویان در مقایسه با نظام ساده مغولان بسیار پیچیده‌تر، و فرآیند تهیه فرامین در مدت زمان طولانی‌تر انجام می‌گرفت.

پی‌نوشت‌ها

۱. پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، ص ۴۰.
۲. همان، ص ۴۵.
۳. همان، ص ۴۶.
۴. همان، ص ۴۷.
۵. آئین اکبری، ج اول، ص ۲۷۰.
۶. همان، ص ۵۴.
۷. همان، ص ۲۷۴.
۸. همان.
۹. مهاداری و رسائل فارسی در عصر مغولان، ص ۴۷.
۱۰. کلمات طیبات، ص ۲۸.
۱۱. همان.
۱۲. دستورالملوک، ص ۵۴۴.
۱۳. تذکره‌الملوک، ص ۲۴.
۱۴. فرهنگ آندراج، ج دوم، ماده ت.
۱۵. تذکره‌الملوک، ص ۱۳-۱۲.
۱۶. همان، ص ۶.
۱۷. همان، ص ۱۴.
۱۸. همان، ص ۶-۵، دستورالملوک، ص ۹۲.
۱۹. همان.
۲۰. آئین اکبری، ج یک، ص ۲۷۳، مهاداری و رسائل فارسی در عصر مغولان، ص ۵۷-۵۶.
۲۱. همان، ص ۲۷۱-۲۶۹.
۲۲. نسخه خطی ملک ۶۲۹۳، تذکره‌الملوک، ص ۵، نسخه خطی کتابخانه مجلس، ش ۳۴۵۵.
۲۳. سازمان اداری و حکومت صفوی، ص ۲۷۰.
۲۴. دستورالملوک، ص ۹۲.



۲۵. دیوان پسند، ص ۲۰۹.
۲۶. همان.
۲۷. دستورالملک، ص ۳۱۴.
۲۸. در نشان‌های اسناد ماتناداران و گرجستان و آذربایجان بسیار دیده شده است.
۲۹. مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، ص ۸۲.
۳۰. رک. اسناد ماتناداران و اسناد گرجستان.
۳۱. مهرباری و رسائل فارسی در عصر مغولان، ص ۱۳۷، فرامین مغول، اسناد شماره ۳۴-۳۳.
۳۲. از مجموعه سازمان اسناد ملی هند، ش ۱۶ (C. A. D).
۳۳. در مجموعه‌های مرکز مطالعات پیشرفته تاریخی علگیر به شماره‌های ۳۰۶، ۲۲۶ و ۱۱۳ به وفور دیده می‌شود.
۳۴. تذکره‌الملوک، ص ۲۶.
۳۵. همان، ص ۴۲ و دستورالملوک، ص ۴۵.
۳۶. همان، ص ۴۳-۴۴.
۳۷. دستورالملوک، ص ۵۴۴.
۳۸. تذکره‌الملوک ص ۴۷-۴۳؛ دستورالملوک، ص ۵۴۴، ۵۴۲ و ۴۳۹.
۳۹. نسخه خطی ملک، ۶۲۹۳.
۴۰. در اسناد ماتناداران، گرجستان و بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی به وفور دیده شده است.
۴۱. همان.
۴۲. مهرباری و رسائل فارسی عصر مغولان، ص ۹۲-۸۵.
۴۳. مهرهای مغولان، ص ۲۲۲.
۴۴. مهرباری و رسائل فارسی عصر مغولان، ص ۹۹-۸۶.
۴۵. همان.
۴۶. تذکره‌الملوک، ص ۹.
۴۷. سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۱۶۳.
۴۸. شاردن، ج ۸، ص ۲۹۹.
۴۹. مهرباری و رسائل فارسی عصر مغولان، ص ۵۸.
۵۰. آئین اکبری، ج اول، ص ۲۷۲.
۵۱. مقدمه‌ای بر اسناد تاریخی، ص ۵۲.
۵۲. تذکره‌الملوک، ص ۴۴.
۵۳. اسناد ماتناداران، ج ۲، شماره‌های ۴۲، ۴۱، ۲۶، ۲۵، ۲۱ و ۱۵.
۵۴. همان.
۵۵. همان.
۵۶. همان.
۵۷. مثال‌های صدور صفوی، ص ۳۲.
۵۸. همان.
۵۹. مهرباری و رسائل فارسی عصر مغولان، ص ۱۰۱.

منابع

۱- منابع صفویه

الف. فرامین سازمان اسناد ملی ایران

- فرمان شاه سلیمان ۱۰۹۷ق.، به شماره ۱۳۰۰۲/۵ (رقم انتصاب بیگلربیگی).
- فرمان شاه عباس دوم ۱۰۶۶ق.، به شماره ۱۱۰۰۲/۴ (رقم انتصاب میرزا نظام‌الدین احمد به‌عنوان متولی مدرسه منصوریه شیراز).
- فرمان شاه عباس دوم ۱۰۶۶ق.، به شماره ۱۲۰۰۴/۴۵ (فرمان حذف همه ساله سیورغال بهادریک).
- فرمان شاه عباس دوم به شماره ۱۲۰۰۲/۳۹ (فرمان به حاکم فارس).

ب. فرامین بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی از اسناد موزه آذربایجان

- جنگ فرامین منشآت صفوی، نسخه خطی ۳۴۵۵ متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- حیدربیگ ایواغلی، مجمع‌الانشاء، میکروفیلم ۳۵۵۸. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- دستورالعمل نائیناس، نسخه خطی ۶۲۹۳-۱۳۷۸۷- دوره شاه سلیمان صفوی- متعلق به کتابخانه ملک.
- فرمان شاه سلطان حسین ۱۱۲۶ق.، به شماره ۱۲۲۲- (فرمان به بیگلربیگی، امراء و حکام اردبیل).
- فرمان شاه سلیمان ۱۰۸۷ق.، به شماره ۱۲۲۶- (رقم به محمد معین بیگ و اعطای خلعت).
- فرمان شاه طهماسب اول ۹۵۷ق.، به شماره ۱۲۲۱- (فرمان به خان احمدبیک صفوی و امر به خلع میراب مالک خان قولی).
- فرمان شاه طهماسب اول ۹۸۷ق.، به شماره ۱۲۲۰- (فرمان به پسران خان احمدبیک صفوی به توزیع سیورغال اردبیل).
- فرمان شاه طهماسب دوم ۱۱۳۶ق.، به شماره ۱۲۲۳- (فرمان جمع‌آوری سپاه برای سرکوبی طاغیان به مرتضی قلی بیگ صفوی).
- فرمان شاه طهماسب دوم ۱۱۳۷ق.، به شماره ۱۲۲۰- (فرمان به مرتضی قلی بیگ صفوی به جمع‌آوری سپاه برای سرکوبی طاغیان در عراق).
- فرمان شاه طهماسب دوم ۱۱۳۷ق.، به شماره ۱۲۲۴- (رقم انتصاب مرتضی قلی بیگ به‌عنوان متولی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی).
- فریدون بیگ، منشآت السلاطین، ش ۲۰۰۲۴۲، کتابخانه ملی ایران.
- مجموعه فرامین و اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، موجود در موزه ملی ایران.

منابع چاپی

- احمد، قاضی، خلاصه‌التواریخ، احسان اشراقی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
- اسکندربیک ترکمان، عالم‌آرای عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۴.
- افشار، ایرج، دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۸۰.
- بوسه، هربرت، پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، غلامرضا ورهرام، تهران، موسسه تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
- پایازیان، ه.، فرامین فارسی ماتناداران، ج ۲، ایروان، آکادمی علوم ارمنستان، ۱۹۶۸-۱۹۶۹.
- پایازیان، ه.، قبالحجات فارسی، ایروان، آکادمی علوم ارمنستان، ۱۹۵۹.



- پوتوریذریه، و.پ.، اسناد فارسی گرجستان، ۲ ج، گرجستان، آکادمی علوم گرجستان، ۱۹۶۱، ۱۹۶۲.
- ثابتیان، ذ.، اسناد مکاتبات تاریخی و اجتماعی، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۳.
- جعفریان، رسول، دین و سیاست در دوره صفویه، قم، انصاریان، ۱۳۷۰.
- حسینی فسائی، میرزا حسن، فارسنامه ناصری، تهران، رستگار فسائی، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، چاپ مجلسی.
- رابینو، هل.، آلبوم سکه‌ها، مدال‌ها و مهرهای شاهان ایران، تهران، محمد مشیری، ۱۳۵۳.
- روملو، حسن، احسن التواریخ، عبدالحسین نوایی، تهران، ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
- سانسون، سفرنامه سانسون، ترجمه تقی تفضلی، تهران، [?]، ۱۳۴۶.
- شاردن، ژان، سفرنامه شاردن، محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵.
- فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- قائم مقامی، جهانگیر، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰.
- قائم مقامی، جهانگیر، یکصد و پنجاه سند تاریخی از جلایر تا پهلوی، تهران، کمیته تاریخ، ۱۳۴۸.
- کمپفر، ی.، سفرنامه کمپفر، کیکاوس جهانداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۰.
- مؤید ثابتی، سید علی، اسناد و نامه‌های تاریخی از اول دوره اسلامی تا اواخر عهد شاه اسماعیل صفوی، تهران، طهوری، ۱۳۴۶.
- مدرسی طباطبائی، مثال‌های صدور صفوی، قم، حکمت، ۱۳۵۳.
- مینورسکی، ولادیمیر، سازمان اداری حکومت صفوی، محمد دبیرسیاقی، مسعود رجب‌نیا، تهران، امیرکبیر، (همراه با اصل تذکره‌الملوک)، ۱۳۶۸.
- ناشناس، القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، دکتر یوسف رحیم‌لو، دانشگاه مشهد، ۱۳۷۱.
- نوائی، عبدالحسین، اسناد و مکاتبات تاریخی از تیمورشاه اسماعیل، تهران، ترجمه نشر و کتاب، ۱۳۴۱.
- نوائی، عبدالحسین، اسناد و مکاتبات تاریخی در دوره شاه اسماعیل صفوی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷.

مجلات

- بیانی، خانابا، «اسناد و نامه‌های تاریخی»، بررسی‌های تاریخی، سال سوم، ش ۵.
- دانش‌پژوه، محمدتقی، «دستورالملوک»، مجله دانشکده ادبیات، سال ۱۵ و ۱۶.
- سمسار، محمدحسن، «فرمان‌نویسی در دوره صفوی»، بررسی‌های تاریخی، سال دوم، ش ۶؛ سال سوم، ش یک.
- طاهری، ش.، «سجع مهر سلاطین و شهبازان و صدور ایران»، وحید، سال دوم، ش ۸.
- قائم مقامی، جهانگیر، «توقیع و طغرا و تطور آن در تداول دیوانی»، بررسی‌های تاریخی، سال پنجم، ش ۳.
- قائم مقامی، جهانگیر، «مهرهای نویافته»، بررسی‌های تاریخی، سال هفتم، ش ۲.
- ملکزاده بیانی، «سند الوند میرزا و شاه اسماعیل»، بررسی‌های تاریخی، سال یازدهم، ش ۴.

۲- منابع مغول

I. اسناد

- ابوالقاسم خان نمکین، منشآت نمکین، بخش تاریخ دانشگاه علیگر، ش ۲۶۱.
- اسناد باتلا، مرکز مطالعات پیشرفته تاریخی، دانشگاه علیگر، ش ۱- ۴۴۳۸ (فرمان بابر و اهداء جاگیر به قاضی جلال) و ۳-۴۴۳۸ I.O. (فرمان جهانگیر به شیخ شاه محمد و اهداء مدد معاش).
- اسناد بلگرام، مرکز مطالعات پیشرفته تاریخی، دانشگاه علیگر، ۱- فرمان اکبر به قاضی اسلام ۲- فرمان اکبر به نظام‌الدین محمد سلیم خان.
- اسناد خمیرآباد، فرمان اکبر به شیخ احمد.
- اسناد سوهیندا، فرمان جهانگیر.
- اسناد وزن دیان، فرمان اکبر به راجاتا دورمال.
- فرمان امیرانوران مغول، مرکز مطالعات پیشرفته تاریخی دانشگاه علیگر، ش ۱۸۶.
- مجموعه اسناد فارسی، سازمان ملی اسناد هند، دهلی، ۱۹۹۲.
- مجموعه اسناد، سازمان ملی اسناد هند، دهلی، ۱۹۸۶.
- مجموعه فرامین مغول، ک.پ. سری و استاوا، لکنهو، ۱۹۷۴.
- مجموعه نامه‌های شاه جهان، مرکز مطالعات پیشرفته تاریخی دانشگاه علیگر، ش ۲۲۷.
- مجموعه نامه‌های عالمگیر، مرکز مطالعات پیشرفته تاریخی دانشگاه علیگر، ش ۲۲۵ و ۱۷۳.
- منشآت موسوی خان، بخش تاریخ، دانشگاه علیگر، ش ۲۰۴.
- نامه‌هایی از اکبر تا اورنگ زیب، مرکز مطالعات پیشرفته تاریخی دانشگاه علیگر، ش ۱۹۷.

II. منابع چاپی

- ابن حسن، ساختار مرکزی امپراتور مغول، دهلی، ۱۹۷۰.
- ترمذی، الف، مهرهای هند، دهلی، آرشیو ملی هند، ۱۹۵۹.
- چاتارمال، دیوان پسند، بخش تاریخ، دانشگاه علیگر، ش ۵۸.
- حسین جعفری، سید ظهیرالدین، مطالعاتی در تغییرات آواد از مغول تا زمان استعمار، دهلی، گیان، ۱۹۹۸.
- خان کشمیری، عنایت‌الله، کلمات طبیات (نامه‌های اورنگ زیب)، دهلی، س.م. عزیزالدین، ۱۹۸۲.
- علامی، ابوالفضل، آئین اکبری، دهلی، بلوچمن، ۱۹۷۷.
- علامی، ابوالفضل، اکبرنامه، دهلی، بوریچ، ۱۹۷۹.
- مؤمن، محی‌الدین، مهرداری و رسائل فارسی در عصر مغولان، کلکته، ایران سوسایتی، ۱۹۷۱.